جستاری در شعر و موسیقی مذهبی و جایگاه تاریخی آن

دکتر حمیدرضا صفاکیش
استاد یار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

چکیده :

جوامع بنا به سنت ها و فرهنگ خویش هر کدام به گونه‌ای مراسم و نیایش مذهبی خود را اجرا می کنند. در این میان پدیده های هنری از جمله شعر و موسیقی، نقش و حضوری فعال دارند. شعر و موسیقی مذهبی، هنر آیینی ایرانیان است و دارای تاریخچه ای کهن‌تر از هخامنشیان است. این هنرها شامل آوازها و سروده های مذهبی در اشکال مختلف است که بمناسبت های متفاوت در مجالس جشن یا سوگواری بکار می رود. موسیقی مذهبی در گونه‌های خود چونان « تلاوت قرآن کریم »، « قرائت اذان و مناجات »، «مقتل خوانی»، «نوحه خوانی » و « تعزیه‌خوانی »ردیف و دستگاه خود را حفظ کرده،بخش گسترده‌ای از گنج آوازهای موسیقی‌ایی کهن در آن نهفته است. نویسنده در این مقاله بر آن است تا با دستیابی به ریشه های تاریخی و فرهنگی این هنرها و تاثیرات مذهب در آن، به پیشینه تاریخ و هنر این مرز و بوم دست یافته، راهگشای تحقیقات بعدی آنان گردد.

واژه های کلیدی : موسیقی مذهبی، شعر عاشورایی، مقتل خوانی، نوحه خوانی، تعزیه خوانی، ردیف، دستگاه

مقدمه:

از آنجا که همه علوم، رسوم، هنرها و آثار مجسم و غیر مجسم آن جزء فرهنگ یا میراث‌های فرهنگی جامعه محسوب می‌گردد، موسیقی و شعر مذهبی نیز به علت موجودیت و جایگاه خود در رده هنرهای زیبا، از دیرباز به عنوان بخشی مهم از فرهنگ جوامع بشری، مطمح نظر جامعه شناسان و پژوهشگران قرار گرفته است.

این هنرها قادرند در گستره وسیعی، گذشته، حال و آینده را بازسازی کرده، به انسان نیروی بالنده دهند تا بر فراز تاریخ سیر کند، موسیقی آوازی از بنیادی‌ترین موسیقی متداول ایران است که از پیوند آواز با کلام حاصل می‌شود و هر ملتی بنا به گذشته تاریخی و ادبیات شعر و موسیقی خود با آن مانوس است.

متون موسیقی اصیل ایران، در کنار صوت دلنشین قرآن و آوای اذان و مناجات و مقتل خوانی و نوحه خوانی و شبیه گردانی، در قالب اشعار عارفانه که احساسات و عقاید مذهبی را در قالب عشق به خدا و مخلوقاتش به زیبایی بیان می کند، متجلی می‌شود.

موسیقی و شعر مذهبی مهمترین مشخصه‌اش هماهنگی انسان با خدا است. زیرا یک ساز با نوا و یک شعر مکمل آن، انسان گرفتار به خشم و شک و کین را، بر بال موج های آهنگ و نوای خود نشانده، او را به سوی حق پرواز می دهد و با فروغ یزدانی همراهش می کند. حال نظر به گستره وسیع این دو هنر ابتدا به موسیقی و سپس به شعر به صورت جداگانه خواهیم پرداخت.

تعریف موسیقی مذهبی:

موسیقی لفظی است یونانی[1] و آن علم شناسایی الحان است و در لحن ملایمت شرط است چنانچه حدیث است که قرآن بخوانید به لحن عرب « اقرؤوا القرآن باللحون العرب » (غیبی مراغی، ۱۳۶۶، ص۷)

اگر بخواهیم تعریف دیگری از موسیقی ارائه کنیم، باید بگوییم موسیقی صدای خوشی است که از حنجره آدمی یا شیء‌ای بیرون بیاید و در نظر علمای شرع هم پسندیده باشد که آنرا موسیقی مذهبی نامند (خالقی، ۱۳۵۳،ج۱، ص۳۳۳) حاصل آنکه هنر زبان روح بشر و موسیقی زبان دل و عالیترین تجلی قریحه انسانی است.منظور از علم موسیقی معرفت کیفیت ترکیب نغمات و ابعاد

[1]. موسیقی ترجمه واژه Mousike یونانی است که معادل آن در زبان انگلیسی Music است. در زبان فارسی واژه « آهنگ » برای آن به کار برده می شود

است بر وجهی که ملایم و متفق و موزون شـوند تا استماع از آن مر انسـان را لـذتی حاصـل آیـد (محمدی ،۱۳۸۶، ص۱۴)

دورنمای تاریخی موسیقی :

آنچه از موسیقی ایـران پـیش از اسـلام در منـابع آمـده، همـه مربـوط بـه وضـع موسـیقی و موسیقیدانان بارگاه شاهان ایرانی است. اردشیر در حکومت خود مرثیـه دانـان و آوازخوانـان را در جایگـاهی ممتـاز و در تقسـیم بنـدی طبقـه اول شـاعران و خوشنویسـان، طبقـه دوم اهـل هنـر و موسیقیدانان و طبقه سوم ندیمـان و چاکـران را قـرار داده بود. (مسعودی ، ۱۳۷۴، ج۱،ص۲۶۹) در زمان خسرو پرویز موسیقی به منتها درجه ترقی خود رسید و تشـویق‌هـای او باعـث ظهـور دو خنیاگر و سازنده مشهور بنام های باربد و نکیسا گردید. نبوغ باربد بـه حـدی رسـیده بـود کـه در مواجهه اول با خسرو پرویز پرده « داد یا یـزدان آفـرید » را که سروده ای مذهبی بوده اجـرا کـرد (کریستین سن، ۱۳۱۷، ص۳۴۲)

موسیقی دوره ساسانی در موسیقی دوره اسلامی تاثیر عظیمی گذاشـته و مسـلمین برخـی از آلات و اصطلاحات این فن را از ایرانیان اخذ کرده اند. (خدیو جم، ۱۳۶۶، ص۱۱)

از مهمترین مشخصه های برجسته موسیقی تاریخی در ایران، غم فراگیر آن بـوده اسـت زیـرا ایرانیان مردمانی جدی و مذهبی بوده اند که غم و موسیقی ملایم به طرز عجیبی با فلسفه زنـدگی و نیازهای روحی آنان تناسب دارد.(زونیس، ۱۳۷۷،ص۲۸) بـه هـر حـال تـاثیر موسـیقی ایرانـی و حتی هنـدی بر موسیقی عرب در دوره اسلامی قابل انکار نیست. شـاید دلیـل ایـن تـاثیر همـان رفت و آمدهایی بوده که شاعران عرب جاهلی به جده می کردند حتی بردگانی چون سـائب خـاثر که ایرانی بودند در انتقال و تحول موسیقی دوره اسلامی تاثیر گـذار بـوده انـد (اصـفهانی ،۱۳۶۴، ج۲، ص۳۴۹) در باب موسیقی درمانی ایرانیان نیز گفته شـده کـه موسـیقیدانان ایرانـی بیمـاران و افسردگان را با موسیقی درمان می کردند و بعد بزرگان موسیقی عرب هـم ایـن هنـر را از ایرانیـان فراگرفتند. (ایرانی ، ۱۳۸۸، ص۱۶۰)

موسیقی مذهبی بعد از اسلام :

صنعت موسیقی مذهبی را فرزانگان پدید آورده‌انـد و مـردم از ایشـان فـرا گرفتـه‌انـد و ایـن صنعت در واقع میراث حکما است برای عامه مـردم و خداشناسـان آنـرا در پرستشـگاههای خـود بنوازند و به هنگام نیایش و عبادت از آن بهره جویند چنانکه داود نبی (ع) به گاه خواندن مزامیر از موسیقی استفاده می‌کرد و نیز نصرانیان و مسلمانان در کنیسه و مساجد خود به موسیقی پردازنـد و

این همه از آن رو باشد که رقت قلب و ذلت نفس و انقیاد نسبت به اوامر خدا پدید آید و اجتناب از نواهی او و نیز وسیله ایست برای انابت و توبت (رساله اخوان الصفا، ۱۹۲۸م، ص۱۳)

در همه فرهنگهای آسیایی موسیقی بیشتر معنوی است تا نفسانی. در گذشته با وجود تنوع فرهنگ شرق اختلاف میانشان کمتر و مشترکاتشان بیشتر بوده است. در همه این تمدن ها هیچ فعلی انجام نمی گرفته که به موسیقی نیاز نداشته باشد. موسیقی در این فرهنگها با دین و آیین در ارتباط بوده و بیشتر در شکل معنوی مورد توجه بوده است (محمدی،۱۳۸۶، ص۲۹) به نظر نگارنده در خصوص رواج موسیقی در میان اعراب در قرن اول، مفاهیم عشق، موسیقی، غزل و ادب را ایرانیان به اعراب آموختند چنانچه در فلسفه، هنر، معماری، شعر و دیوان سالاری نیز پیرو ایرانیان شدند. این روال تا دوره صفویه ادامه داشت.

موسیقی مذهبی و انواع آن :

موسیقی مذهبی از کهن ترین گونه‌های موسیقی است که در همه کشورها بیش و کم مورد استفاده قرار می‌گیرد و در ایران عبارتست از قرآن، اذان، مناجات، نوحه خوانی، مقتل خوانی و شبیه خوانی که منهای شاخه اول و دوم یعنی قرآن و اذان، سایر شاخه ها موسیقی عاشورایی است که به صورت رسمی از زمان آل بویه در ایران متداول گردید و در دوره ی صفویان بسیار مورد استقبال مردم واقع شد و دلیل آن تظاهرات مذهبی سلاطین صفوی بود برای حفظ قلمرو و حکومت خویش. (راهگانی ،۱۳۷۷، ص ۳۲۳)

تلاوت قرآن و جایگاه آن در موسیقی مذهبی:

تلاوت قرآن یکی از اشکال رایج موسیقی ایرانیان بوده است. این امر غالباً توسط قاریان و حافظان انجام می‌گرفت و تاثیرات شگرفی در شنوندگان ایجاد می‌کرد چون رویکرد موسیقی به دلیل احساس نیاز آدمی به آرامش و کاستن فشار صورت می‌گرفت لحن شیوا و آرام بخش قرآن به زیبایی این احساس آرامش را در افراد ایجاد می‌کرد. (علیشیر نوایی، ۱۳۶۲، ص۴۵۷)

آیات قرآن کریم خود زیباترین کلمات آفرینش است و توصیه به زیبایی‌های آسمانها و زمین و مخلوقات الهی کرده است (انّ فی خلق السموات و الارض/ آخر سوره آل عمران) و یا حضرت علی می فرمایند « انّ الله جمیل و یحب الجمال » (طوسی، ۱۳۸۸، ص۲۷۵)

موسیقی قرآن تطهیر چشم و گوش و دل برای مشاهده ی مظاهر جمال حق و استماع الحان آسمانی قرآن متعاقب حسن آرایش به ظواهر جسمانی ممکن می‌شود. این نوای آسمانی برای

پرورش احساسات پاک و بیدار نمودن فطرت انسانی مسلمانان به خاطر جهل و تعصب و خشونتی که در آیین جاهلیت بود بسیار ضروری می‌نمود. (میثمی، ۱۳۸۹، ص۹۳)

تلاوت قرآن کریم، علاوه بر توجه دادن به امور حسی و ذوقی و سوق دادن آن در مسیری الهی برای بهره گیری صحیح تر از موهبت های الهی، امکان تحقق مکارم اخلاق را فراهم می‌ساخت. به همین منظور توصیه شده که از صدای خوش و آهنگ دلنشین در هنگام خواندن قرآن استفاده شود. « زینوا القرآن باصواتکم » (طبرسی، ۱۳۵۹، ج۱، ص۴۵)

نخستین تلاوت قرآن کریم را پیامبر خدا (ص) به صورت ترتیل قرائت فرمودند. هر شنونده‌ای از صوت خوش آن حضرت به وجد می آمد و گوش جان به نوای روح بخش قرآن می‌سپرد. (حال دوران، ص۱۸۰) اعراب تازه مسلمان موظف بودند قرآن را با لحن و روش زیبای حجازی تلاوت نمایند و تاکید شده بود که تحت هیچ شرایطی قرآن را به سبک خوانندگی اهل فسق و فجور نخوانند. (سبحانی، ۱۳۷۵، ص۲۳۰).

بدین ترتیب اسلام قرائت قرآن را جایگزین موسیقی لهوی شرک آلود بتان نمود. موسیقی قرآن موجب هدایت و سعادت انسان شده، جان را به سراپرده اسرار سوق می دهد و انسان را به خدا نزدیک تر می سازد. (ایرانی، ۱۳۸۸، ص۸۵).

معمولاً قاریان و حافظان قرآن از صدای خوبی برخوردار بودند. خوش خوان بودند و در اماکن مذهبی یا مراسم عزاداری به تلاوت قرآن می پرداختند. البته میان حافظ و قاری تفاوت نیز بوده است، قاری به فرد خوش صدایی اطلاق می گشت که مجبور به حفظ قرآن نبود ولی اصطلاح حافظ در مورد شخصی بکار می رفت که قران یا حدیث را از حفظ بوده است (میثمی، ۱۳۸۹، ص۹۵).

بدون شک در تمام دوران بعثت مهمترین ابزار رسول خدا در مقابل مشرکان آیات موزون و دلنشین قرآن بوده است. پیام های استوار قرآنی با لحن دلکش آن مشرکان را خلع سلاح می‌کرد. نظم آهنگین قرآن، ادب قوی و فصاحت و بلاغت و شیوایی آیات خدا بر جذبه پیام های آن می‌افزود. با آنکه عرب با شعر و سخن شیرین آشنا بود ولی وقتی پیامبر (ص) با صوت خوش قرآن می خواندند مفتون آن کلام شده می‌گفتند این عبارات نمی‌تواند سخن ایشان باشد. (ابن هشام، ۱۹۵۵م، ص۲۸۸)

اذان و مناجات در موسیقی مذهبی:

در سنت اسلامی پیش از خواندن نماز، اذان خوانده می‌شود. غالباً این عمل توسط فرد خوش صدایی انجام می‌گیرد. مؤذنان خوش صدا نیز به خدمت اماکن مقدس در می‌آمدند (میثمی، ۱۳۸۹، ص۹۵).

این مؤذنان برای آنکه صدایشان کاملا اطراف را پوشش دهد مناره را دور می‌زدند. آنان غالباً پس از به صدا در آمدن نقاره خانه گفتن اذان را در مسجد جامع و دیگر مساجد شهر آغاز می‌کردند (سانسون،۱۳۴۶، ص۷۰) در هنگام اذان جمع کثیری خوش صدا با نیت نزدیکی به خدا از پشت بام‌ها با صدای بلند شروع به اذان گفتن می‌کردند (کاراری،۱۳۴۸، ص۳۳). پیامبر (ص) بلافاصله پس از آماده شدن بنای مسجد مدینه به بلال فرمودند به بلندی رود و اذان بگوید و بلال با صدای بلند می‌گفت: حی‌علی‌الصلاه، حی‌علی‌الفلاح (سبحانی،۱۳۷۵، ص۲۳۱).

اساساً در سنت موسیقی‌ایی ایران مناجات خوانی و آواز سنتی ارتباط تنگاتنگ با یکدیگر داشته‌اند. به گونه‌ای که بیشتر استادان آواز در موسیقی و دستگاهی، در عین حال مناجات خوانی کرده و حتی اذان هم خوانده‌اند چنانکه ادیب خوانساری از استادان آواز دوره متأخر موذن مسجد شهر خود نیز بوده است. (بهروزی، ۱۳۶۷، ص۴۵۶).

یکی از افراد دیگر که در موذنی کامل بود جناب دماوندی از بزرگترین استادان آواز ایران است که اذان را آنچنان روح بخش و دلنواز خوانده است که مقبولیت خاص و عام یافته. این اذان در گوشه « روح الارواح » از متعلقات آواز بیات ترک خوانده شده است که خود بیات ترک یکی از آوازهای چهارگانه دستگاه شور را تشکیل می‌دهد. (سپنتا، ۱۳۶۹، ص۸۷).

با بررسی انجام گرفته، غالباً موذنان با تشویق مردم و بهره‌گیری از استعداد خدادادی و قصد قربت زیر نظر متولیان مساجد اذان می‌گفتند. ایشان بر این باور بودند، همه معارف اسلام در اذان خلاصه می‌شود، پس پاسداری از اذان با صدای دلکش را وظیفه خود می‌دانستند و بخاطر فضیلت آن اقدام به گفتن اذان می کردند. (نظر نگارنده)

تاریخچه مراسم عزاداری در ایران:

عزاداری شیعیان برای خاندان نبوت و امامان و شهدای کربلا به صورت دسته گردانی و نوحه خوانی، شبیه خوانی و سینه زنی در دهه اول محرم از تاریخی در ایران شروع شد که آل بویه بر بخش بزرگی از ایران و عراق دست یافتند و در اواسط سده چهارم هجری بزرگترین دولت ایران پس از اسلام را تشکیل دادند. (راهگانی، ۱۳۷۷، ص۲۹۵).

عـزاداری از دوران باستـان در ایـران مـرسوم بوده است مانند نوحه خـوانی مـرگ سـیاوش (همان، ص۳۲۰) به تصریح منابع، شیوع عزاداری و تعزیه چهار سال پس از واقعـه کـربلا اتفـاق افتاد و آن هنگامی است که توابین به سرگروهی سلیمان بن صرد خزاعی که بیش از چهار هزار تن بودند در سال ۶۵ هجری از نخیله عازم زیارت قبر حسین (ع) شدند بانگ برآوردنـد بگریسـتند و بعضی آرزو می‌کردند ای کاش کشته شده بودند و به هیچ روز دیگر پـیش‌تـر از آن مـردم گریـان دیده نشده بودند. (طبری، ج۷ ،ص۳۲۲۵).

با این کار توابین دریچه و دیدگاهی تازه در میان شیعیان با پیـروان حسـین(ع) و آل علـی(ع) گشوده شد و به تدریج سوگواری بر شهادت و مظلومیت حسین(ع) سـامان و سـاختار یکپارچـه‌ای پیدا کرد و هر سال بر ابعاد آن افزوده شد و جهت‌های گوناگون یافت و به گونه سنتی دیر آهنـگ در بین شیعیان مختلف شیوع یافت. (آژند، ۱۳۸۵، ص۲۵)

نوحه خوانی :

نوحه اصولا موسیقی آوازی است. این آوازها بدون همراهی ساز، گاهی به طور تنها و گاه بـه طور جمعی است که با موسیقی ارتباط دارد (خالقی، ۱۳۵۳،ج۱،ص۳۶۲).

آنچه در باب حضور تاریخی نوحه خوانی در ایران می توان گفت، این است که این عزاداری از میان اعراب به ایران آمده و پادشاهان شیعی برای ابراز هویت خـود مقابـل خلفـای اهـل تسـنن عرب، به این عزاداری نخست بها می‌دادند. از جمله می‌توان به سنت دسته گردانی اشاره کـرد کـه عده کثیـری از مـردم، یک جمع عـــزادار و مرثیـه خـــوان را تشـکیل مـی‌دادنـد و در حالیکـه در سوگ امام حسین (ع) نوحه خوانی می‌کردند، در خیابان‌ها و کوچه‌هـا دور مـی‌زدنـد. ایـن سـنت پسندیده از زمان عضدالدوله دیلمی در ایران رسما رایج شـد. (راهگـانی،۱۳۷۷، ص۲۹). حیـات تاریخی نوحه خوانی در ایران، با عقاید مستحکم شیعیان و باور آنها نسبت به مصائب امام حسـین (ع) در روز عاشورا همراه بوده است. ارزش ثانوی دیگر نوحه باور به این نکته واقعی باعـث ارتقـاء و استکمال فرم تصنیف در موسیقی ایران است که عامل بزرگی برای حفظ و اشـاعه کـل موسـیقی و انتقال به نسل های بعد، محسوب می شود. (مستوفی، ج۱، ص۲۲۷).

مقتل خوانی :

مقتل خوانی که همان روضه خوانی است مقدم بر تعزیه اسـت و قبـل از آن، در ایـران رواج داشته است. در مراسم روضه اشعاری را که در سوگ و رثای سید الشهدا (ع) سـروده شـده اسـت که با لحن بسیـار محـزون و غمنـاکی می‌خـــوانند تـا حاضـران متـأثر شـوند و بـه گـــریه بیافتنـد

(راهگانی،۱۳۷۷،ص۱۴) هنر مقتل‌خوانی به دلیل ارتباط تنگاتنگی که با شهادت امام حسین دارد اجرای آن توسط اهل منبر انجام می‌شود و به هنر موسیقی آواز خوانی بستگی دارد. اهل منبر می کوشند که این هنر را در گوشه‌های ردیف آوازی موسیقی فرا گیرند (ردیف آوازی هفت دستگاه و پنج آواز موسیقی اصیل که روی هم رفته دوازده لحن موسیقی ردیفی را تشکیل می دهند، تسلط یابند). (راهگانی،۱۳۷۷، ص۱۵).

کهن ترین روضه خوان مشهور ملاحسین کاشفی است که کتاب روضه الشهدا از آثار اوست و در قرن دهم وفات یافت این مراسم در حسینیه ها و تکایا و مساجد اجرا می‌شد و حزن آمیزی آن به قدرت واعظین و روضه خوانان بستگی تمام داشت، چنانچه شعرای فارسی برای رونق آن به شوق آمده و بهترین اشعار خود را در این زمینه سروده‌اند. مثل محتشم کاشانی که با شاه طهماسب صفوی معاصر بود. سروده او ترکیب بندی است در دوازده بند که شهرت جهانی دارد (براون، ۱۳۶۹، ص ۱۶۱).

تعزیه:

تعزیه در لغت به معنای عزاداری و سوگواری است و به نوعی مراسم مذهبی اطلاق می شود که طی آن وقایع عاشورا، به کمک دو عامل تئاتر و موسیقی به نمایش گذاشته می‌شود. این هنر در بر پایه قصه ها و روایات مربوط به زندگی و مصائب و وقایع و فجایعی که در سال ۶۱ هجری در کربلا برای امام حسین (ع) پیش آمد می باشد (بیضایی، ۱۳۴۴، ص۱۱۳).

از لحاظ خاستگاه تاریخی، برخی بر آن اند که تعزیه برگرفته از هنر تئاتر در غرب است و به همین دلیل از دوره قاجاریه که اولین مظاهر تمدن غرب وارد کشور شد، در مراسم مذهبی ایرانیان برای ایام عاشورا جای گرفته، رفته رفته به عنوان نوعی سنت رواج یافته است. اما برخی دیگر برای تعزیه قدمت بیشتری قائل‌اند و تاریخ آغاز این هنر را به قرن‌ها قبل از دوره‌ی قاجار می‌رسانند. از نظر این گروه، تعزیه از قرن چهارم هجری (مصادف با قرن دهم میلادی) که مقارن با حکومت دودمان آل بویه در ایران است آغاز شده است. (چلکوفسکی ،۱۳۶۷، ص۹).

آنچه مسلم است اوج اعتلای هنر تعزیه به دوره ی قاجاریه مربوط می شود و در این دوران به اوج تکامل خود رسیده است به طوریکه سلاطین قاجار هم به این هنر توجه بسیار داشته اند و هم امکانات یک اجرای بزرگ و شکوهمند را برای هنرمندان تعزیه فراهم می کردند این نکته موجب میشد که اشراف قاجار نیز به تاسی از پادشاهان قجری به هنر تعزیه اهمیت بدهند و در راه برگزاری هرچه با شکوه تر آن حتی به رقابت با هم بپردازند. (خالقی،۱۳۸۱،ص۲۶۸)

جلوه های موسیقی در تعزیه :

موسیقی در تعزیه منحصر به موسیقی آوازی نبوده و موسیقی سازی را نیز در بر می گرفته. موسیقی سازی در هنر تعزیه به دو نوع تقسیم می‌شود. دسته‌ی اول شامل اجرا در تعزیه‌هایی است که سلاطین قاجار برگزار می‌کردند، در تکایا و حسینیه‌ها و بیشتر جنبه تشریفات داشته است. این نوع موسیقی کمتر به متن و محتوای خود تعزیه متکی بود و توسط نقاره خانه شاهی، ارکستر نظام و سازهای بادی متعدد اجرا میشد. (بیضایی، ۱۳۴۴، ص ۱۲۰).

نوع دوم موسیقی سازی بر خلاف سازهای نوع اول در ترسیم فضای درام و تراژدی عاشورا در این هیئت نمایش نقش مهمی را بر عهده دارند. این سازها عبارتند از: شیپور،سرنا،نی،کوس، دهل،نقاره، سنج و انواع طبل‌ها. بخصوص در زمانه معاصر سازهایی مانند قره‌نی، ساکسیفون و ترومپت به آن افزوده شده است. (همان)

خوانندگان مرثیه معتقد بودند صدای خوش هدیه خداست اگر این هدیه را در راهی که موجب رضای اوست به کار برند باعث سعادت دنیا و رستگاری آخرت خواهد شد.(خدیوجم،۱۳۶۶،ص۲۳) ساختار شعر مذهبی هنگامی شیوا، جذاب، پیام آور و الهام بخش است که بتواند حقوق مظلوم را از ظالم ستانیده، ضمن توجه مخلوق به معبود، با استخدام الفاظ روحانی و عرفانی، در راستای مبارزه با هواهای نفسانی، در پرورش فضائل انسانی پویا باشد. (نگارنده)

شعر مذهبی :

اگر بپذیریم که شعر و ادبیات هر قوم با مکتب و آیین، آیینه افکار و باورها و گرایش های آن است درباره شعر مذهبی نیز می توان گفت که نماد تفکر و اعتقادات و فرهنگ ملت است. سرچشمه های جوشش شعر مذهبی از پدید آمدن مقوله هایی همچون فضائل و مناقب قرآن کریم مدح و منقبت پیامبر اعظم، ولایت ائمه و خاندان عصمت طهارت و محبت ذوی القربی می‌باشد. این درون مایه‌ها به گستردگی در ادبیات مذهب مطرح است. (جواد محدثی، مجله فرهنگ کوثر، شماره ۶۱ ، بهار سال ۱۳۸۱)

شعر گسترده و پر شاخه فارسی با هزار و چهار صد سال پیشینه، بالا ترین میراث فرهنگی، مذهبی و اسلامی ایران است. در طول این قرن های مدید چه بسیار شاعران و متفکران که در این سرزمین زیسته‌اند و حس و بینش و درک مذهبی خود را به یاری کلمات در قالب شعر برای ما به یادگار گذاشته‌اند. (ابراهیمی، ۱۳۶۹، ص۱۴)

شعر مذهبی از حیث محتوا :

شعر مذهبی هم مدیحه دارد، هم مرثیه دارد و هم حماسه. ولی بارزترین شاخصه شعر مذهبی پرداختن به آیات کلام الله مجید، متن احادیث، ابراز فضائل خاندان عصمت و طهارت، احیای یاد و نام آنها و افشای جنایات ظالمان نسبت به دودمان پاک پیامبر (ص) است.

از زمان حسان‌بن ثابت که به اذن پیامبر خدا شعر سرود تا زمان حاضر، اشعار فراوانی با جوهره مذهب سروده شده و شاعران عرب و فارس درباره‌ی دین ادای دین کرده‌اند. هر انسان مسلمان متعهدی احساس وظیفه می‌کرده، برای جاودانه ساختن حقیقت متجلی در مرام و مذهب پیامبر خدا و اهل بیت از قدرت و طبع شعری خود بهره گیرد. رسول اکرم و امامان شیعه نیز مدافع و مروج اینگونه مدایح بوده‌اند و شعر شاعران در این عرصه ارزش و اعتبار و مانایی یافته است چرا که آنها به ستایش خوبی‌ها پرداخته‌اند و مادح خوبی‌ها، مادح خدا است. (تاج بخش،۱۳۸۱، ص۲۲۰)

عاشورا؛ اسطوره شعر مذهبی (شیعی) :

جایگاه شعر عاشورا در میان شعر مذهبی همچون نگینی درخشان در حلقه ادبیات مکتب است. ورود به حماسه کربلا در زبان شعری شاعران تاثیر نهاده و ادبیات رثایی و موسیقی سروده های مذهبی را غنا و اعتلا ویژه بخشیده است. برخی شاعران مانند حسّان بن ثابت، کمیت اسدی، سیّد حمیری، عبدی کوفی، دعبل خزاعی، ابن رومی، ابوفراس حمدانی،صاحب بن عبّاد، مهیار دیلمی، سید رضی، سید مرتضی، کاظم اُزری، ابراهیم مخزومی، مصطفی جمال الدّین نیز ماندگاری نام خویش را مدیون پرداختن به توصیف و ترسیم قیام کربلا می‌دانند و گاهی با یک شعر عاشورایی جاوید گشته‌اند. همچون محتشم کاشانی و ترکیب بند ماندگار او:

باز این چه شورش است که در خلق عالم است
باز این چه نوحه و چه عزا و چه ماتم است ...

شعر عاشورایی در واقع به گونه‌ای ادعانامه شیعه علیه همه دستگاه های ستمگر است. در واقع شاعران مذهبی (عاشورایی) از شعر مذهبی اهرمی برای گسترش بیداری و شور و مبارزه با خفقان و بیداد ساخته‌اند. (کیهان فرهنگی، شماره ۱۷۰، ص ۱۰۹).

علاوه بر این اشعار مذهبی، تذکر مصائب و رنجهای امامان الهام بخش ادبیاتی گسترده چه منظوم و چه منثور، که عامه پسند بودند گردیده است. سوگواری های ماه محرم نه تنها در بیان

نمایشی این مصائب که در مرثیه نیز حداقل بالغ بر هزاران بیت می شود، که در مجالس روضه خوانی خوانده شده و تجلی می کند. (براون، ۱۳۲۵، ص۲۹۲)

از دیگر شعرای نغز گوی فارسی که ابتدا با تخلص مسکین و بعدها با تخلص فروغی شعر می‌گفته است و در حدود بیست‌هزاربیت شعر که پنج‌هزاربیت آن، منتخب اشعار اوست که به مدح و مرثیه اختصاص داده، فروغی بسطامی است. فروغی به بایزید بسطامی و حسین‌بن‌منصورحلاج نیز گرایش‌های صوفیانه داشته است و بخاطر همین مورد سوء ظن و انتقاد مسلمانان متعصب قرار گرفت. ناصرالدین شاه که در آغاز حکومتش فروغی به اوج شهرت رسیده بود، یک بار کس فرستاد و گفت: مردم می گویند تو مثل فرعون مدعی شده ای « و انا ربکم الاعلی می گویی »[1] و آشکارا اظهار خدایی می کنی؟ فروغی در حالی که سر بر زمین می ساییدپاسخ داد: این حرف بهتان محض است. هفتاد سال است که این طرف و آن طرف دویده‌ام و فقط هم اکنون توانسته‌ام به سایه خدا دست یابم. سه بیت اولین غزلی که در دیوانش ذکر شده اشاره به همین گفتارش است که به آن می پردازیم:

کی رفته ای ز دل که تمنا کنم تو را — کی بوده‌ای نهفته که پیدا کنم تو را
غیبت نکرده‌ای که شوم طالب حضور — پنهان نگشته ای که هویدا کنم تو را
با صد هزار جلوه برون آمدی که من — با صد هزار جلوه تماشا کنم تو را

(بامداد، ۱۳۵۱،ص۳۰۷)

از دیگر شاعران مذهبی که در سوگ امام حسین (ع) مرثیه سروده است، قاآنی است که (متوفی به سال ۱۸۵۳م/ ۱۲۷۲ ه.ق) که یکی از بزرگترین شاعران ایران است که متن این شعر از مجموعه اشعاری است که شامل ۲۲۰ صفحه و متضمن آثار شش شاعر به نامهای میرزا شفیع وصال شیرازی، میرزا احمد وقار، محتشم کاشانی، میرزا حبیب متخلص به قاآنی، صباحی و بیدل می باشد که به چند بیت آز آن اشاره می شود: (براون ،۱۳۲۵،ص۱۸۲)

بارد، چه ؟ خون، که ؟ دیده، چسان؟ روز و شب، چرا ؟
از غم، کدام غم؟ غم سلطان کربلا ....

[1]. آیه ۲۴ سوره نازعات : من خدای روی زمین هستم

آنچه به نام شعر در محافل مذهبی و تاریخ انشاء شده، با توجه به مضامین آنها سنت حسنه‌ای برای بزرگداشت خاندان رسالت و امامت و احیاء آن بوده و بهترین وسیله ی تقرب به خداوند است. انشاء اشعار نغز و بلند و پر محتوا و عزت آفرین و منزه از هون و وهن و مبرای از تحجر و تعصب و دور از اقتصار بر غم و اندوه و پرهیز از اکتفا به اشک و آه، بلکه آفرینش حماسه‌ی آمیخته با ظلم ستیزی، غریوی با دیو زدایی و فریادی با اهرمن روبی و اشکی با شکیبایی و آهی آهنین چنانکه از توحید سالار شهیدان و رفتار و کردار اهل حرم کربلا بر می‌آید، غایت حقیقی سرایندگان مذهبی بوده است. (جوادی آملی ،۱۳۷۷،ص۴۰).

به نظر نگارنده گفتار و سیره ائمه دین بهترین گواه بر این ادعا ست که شاعری را می‌ستودند و صله می‌دادند و تشویق و تحسین می‌فرمودند که در قلمرو حقایق الهی گام بر دارد و بسراید و در تحقق یافتن هدف‌ها و ارزش‌ها، ملاحظه و مداهنه دارد و با حب عمیق، شمیم جان پرور ادب را به تلاطم می‌آورد. نمونه آن اشعار کمیت، دعبل، فرزدق و صدها شاعر و قاری دلباخته متعهد است که تا به امروز در حوزه معارف الهی جاودانه شده‌اند.

موسیقی و شعر مذهبی و هماهنگی این دو در مفهوم :

یکی از موارد قابل توجه در پیوند شعر و موسیقی مذهبی، انتقال و انعکاس مفاهیم شعر در آواز و هماهنگی آن در اجرای موسیقی است.

۱ـ اگر کلام شادی آور یا غم آور است لحن موسیقی هم باید همان احساس را داشته باشد.

۲ـ اگر کلام و شعر عبرت‌آمیز و ناصحانه است (پندیات) موسیقی هم باید دلالت بر آن داشته باشد.

۳ـ اگر شعر و کلام فریادگر مظلومیت و دردمندی افراد است، موسیقی هم باید همراه با همان حالت باشد.

۴ـ و اگر شعر و کلام، خشک و بی رمق باشد، موسیقی هم باید مکمل آن باشد. در هر حال هر دو هنر باید از نظر مفاهیم احساسی یکدیگر را تایید و تکمیل نمایند. موسیقی و شعر آوازی مذهبی باید بی‌پیرایه و از کلمات دور از ذهن، مهجور و دشوار به دور باشد تا در شنونده موثر واقع شود. (دهلوی ،۱۳۸۵، ص۲۰۸)

نتیجه گیری :

شعر و موسیقی دو رکن اساسی و جدایی ناپذیرند و هر یک از این دو هنر ضمن استقلالی که دارند نمی‌توانند به تنهایی نشان دهنده و نمودار هنر مذهبی باشند.

اگـــر شعر باارزشی به آهنگی درآیـد که با آن همخـوانی نداشته باشد، اعتبـــار شـعر از بـین می‌رود و همچنین اگر نغمه و قطعه زیبایی ارائه شود که ویژگی‌های موسیقی آوازی مـذهبی در آن رعایت نشده باشد، زیبایی ملـودی و ارزش موسـیقیایی آن از بـین رفتـه اسـت. بنـابراین از اینجـا می توان به ارزش و اهمیت پیوند شعر و موسیقی پی برد.

موسیقی و شعر مذهبی در ایران ریشه‌ی تاریخی دارد و نقش صدا و الحـان خـوش، اجـرای آواز استادانه و کلمات دلکش و گویا همراه با سازهای مناسب در سـهیم کـردن دلهـا بـه سـمت و سوی خداوند، حائز اهمیت است. اگرچه مسلمانان به خودی خود نسبت به تلاوت قـرآن، قرائـت اذان و مناجات و به خصوص شیعیان به مقتل خوانی، نوحه خـوانی، تعزیـه خـوانی ارادت خـاص دارند، ولی این توجهات در بروز و ظهور احساسات عاشقانه بسیار به آنها کمک می کند.

در شعر و موسیقی مذهبی باید به چند نکته توجه کرد :

۱ـ باید گفت علیرغم عموم هنرمندان شعر و موسیقی که به مقتضای یـک نیـاز روانـی بـه شـهرت علاقه مند می‌باشند و مزد و اجر کارشان را از مردم می‌خواهند، شعراء، قـراء و موسـیقی پردازانـی داشته و داریم که بدون هیاهو و اجر و مزد از سر اخلاص و ارادت به خاندان عصـمت و طهـارت به عنوان خدمتگزار به اهل بیت پاداش کار خود را از خدا می‌خواستند.

۲ـ بسیاری از قراء و شعرا و اهل سبک و موسیقی عاشورایی کار خود را از مسیر ایمان و اخـلاص و محبت و ولایت و فضیلت و اخلاق دانسته و به کار خود به عنوان یک اثر جاودانه نگاه کرده، به تحقیق دریافته‌اند که اگر ادبیات و موسیقی مذهبی در خدمت فضیلت و تعهد باشند، باقی خواهنـد ماند و سر انجام این راه را خوش دانسته‌اند.

۳ـ قرائت قرآن،مناجات،اذان و مجموعه اشعار هنرمندان مذهبی در غالب اجرا در برگیرنده مناسبت‌های طول‌سال بخصوص در۷ماه(رجب،شعبان،رمضان،ذیقعده،ذی‌الحجه،محرم و صفر) است که کـه بـا جلوه های رسالت و ارایه سبکی زیبا و متین و نغز و همراه بـاذوقی روان و نظمـی لطیـف همـراه بوده است، و اهل مناجات و مستمع را در اوج قرب به خداوند واصل می‌کرده است.

منابع :

۱ـ ابراهیمی، جعفر (۱۳۶۹)، هزار سال شعر فارسی، کانون پرورش فکری، تهران.

۲ـ ابراهیمی، محبوبه (۱۳۸۴)، مهر آب، انتشارات هزاره ققنوس، تهران.

۳ـ ابن هشام (۱۹۵۵م)، سیره نبوی، تحقیق مصطفی سقا، مصر.

۴ـ آژند، یعقوب (۱۳۸۵)، نمایش در دوره صفوی، انتشارات فرهنگستان هنر، تهران.

۵ـ اصفهانی، ابوالفرج (۱۳۶۴)، الاغانی، ترجمه ابوالحسن مشایخ فریدنی، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران.

۶ـ ایرانی، اکبر (۱۳۸۸)، حال دوران، چاپ و انتشارات ارشاد اسلامی، تهران.

۷ـ بامداد، مهدی (۱۳۵۱)، شرح رحال رجال ایران در قرن ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ هجری، زوار، تهران.

۸ـ براون، ادوارد (۱۳۶۹)، تاریخ ادبیات ایران، ج۴.

۹ـ بهروزی، شاپور (۱۳۶۷)، چهره های موسیقی ایران، کتاب سرا، چاپ اول، تهران.

۱۰ـ بیضایی، بهرام (۱۳۴۴)، نمایش در ایران، انتشارات کاویان، تهران.

۱۱ـ تاج‌بخش،احمد (۱۳۸۱)، تاریخ‌تمدن و فرهنگ‌ایران از اسلام تا صفویه، نوید شیراز، شیراز.

۱۲ـ جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۷)، مراثی اهل بیت، نشر اسراء، قم.

۱۳ـ چلکوفسکی، پیتر جی (۱۳۶۷)، تعزیه هنر بومی پیشرو ایران، علمی فرهنگی، تهران.

۱۴ـ خالقی، روح الله (۱۳۵۳)، سرگذشت موسیقی ایران، ج۱ ، صفی علیشاه، تهران.

۱۵ـ خدیو جم، حسین (۱۳۶۶)، شعر و موسیقی در ایران، انتشارات هیرمند، تهران.

۱۶ـ دهلوی، حسین (۱۳۸۵)، پیوند شعر و موسیقی، انتشارات موسسه ماهور، تهران.

۱۷ـ راهگانی، روح انگیز (۱۳۷۷)، تاریخ موسیقی ایران، انتشارات پیشرو، تهران.

۱۸ـ رساله اخوان‌الصفا و خلان‌الوفاء (۱۹۲۸م)، رساله پنجم، موسیقی، تصحیح خیرالدین زرکلی، انتشارات مرکزی مصر.

۱۹ـ زونیس،الا (۱۳۷۷)، موسیقی کلاسیک ایران، ترجمه مهدی‌پورمحمد، انتشارات پارت، تهران.

۲۰ـ سانسون، مارتین (۱۳۴۶)، سفرنامه سانسون، ترجمه تقی تفضلی، ابن سینا، تهران.

۲۱ـ سبحانی، جعفر (۱۳۷۵)، فرازهایی از تاریخ پیامبر اسلام، انتشارات مشعر، تهران.

۲۲ـ سپنتا، ساسان (۱۳۶۹)، چشم انداز موسیقی ایران، موسسه انتشارات مشعل، تهران.

۲۳ـ طبری، محمدبن‌جریر (۱۳۵۲)، تاریخ‌الامم‌والملوک، ترجمه ابوالقاسم پاینده، اساطیر، تهران.

۲۴ـ طبرسی، امین‌الاسلام (۱۳۵۹)، مجمع‌البیان‌العلوم‌القرآن، ابوالحسن‌شعرانی، انتشارات‌اسلامیه، تهران.

۲۵ـ طوسی، محمدبن حسن (۱۳۸۸)، امالی، نشر اندیشه هادی، ترجمه صادق حسن‌زاده، قم.
۲۶ـ علیشیرنوایی، امیرنظام‌الدین (۱۳۶۲)، تذکره‌المجالس‌النفائس، بـه اهتمـام علـی‌اصـغرحکمـت، انتشارات منوچهری، تهران.
۲۷ـ غیبی‌مراغی، عبدالقادر (۱۳۶۶)، جامع‌الالحان، تحقیق تقی بینش، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران.
۲۸ـ کاری،جملی (۱۳۴۸)،سفرنامه‌کاری،ترجمه عباس‌نخجوانی،اداره کل فرهنگ و هنر،تبریز.
۲۹ـ کریستین سن، آرتور (۱۳۱۷)، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی، شـرکت سـهامی انتشار، تهران.
۳۰ـ محدثی، جواد (۱۳۸۱)، مجله فرهنگ کوثر، شماره ۶۱ .
۳۱ـ محمدی، محمد مهدی (۱۳۸۶)، اشارات موسیقی، انتشارات سوره، چاپ اول.
۳۲ـ مستـوفی، عبـدالله، شـرح زندگانی من تاریخ سیاسی و اجتماعی عهد قاجـار، انتشـارات زوار، لاهـور، بی‌تا.
۳۳ـ مسعودی،ابوالحسن‌علـی‌بـن‌حسـین (۱۳۷۴)، مـروج‌الـذهب و معـادن الجـوهر، ج۱، ترجمـه ابوالقاسم پاینده، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
۳۴ـ مشحون،حسن (۱۳۸۰)، تاریخ موسیقی ایران،۱۳۷۷،انتشارات فرهنگ نشر نو، چاپ اول،تهران.
۳۵ـ میثمی، سیدحسن (۱۳۸۹)، موسیقی عصر صفوی، نشر آثار هنری، تهران.
۳۶ـ نمکی آرانی، میثم (آذر ۱۳۷۹)، کیهان فرهنگی، شماره ۱۷۰، ص ۱۰۹.